

کانون‌های تفکر یکی از نهادهایی فکری کشور هستند که از عمر آن‌ها در کشور بیش از دو دهه نمی‌گذرد. این کانون‌ها سازمان‌ها یا مراکزی هستند که به وسیله ارائه خدمات فکری و نرم‌افزاری به سازمان‌ها یا بنگاه‌های صنعتی و غیرصنعتی کسب و کار می‌کنند. در این مطلب، تجربه تشکیل این کانون‌ها و چالش‌های رویاروی آن‌ها را از نگاه و در گفت‌وگو با سه نفر از افراد فعال این حوزه مورد بررسی قرار داده‌ایم: دکتر محمد صاحبکار، از موسسان کانون تفکر ایتان، مازیار عطاری، مدیرعامل بنیاد توسعه فردا و مهندس جواد ناصر بخت، مدیر گروه مدیریت و اقتصاد مرکز مطالعات تکنولوژی دانشگاه صنعتی شریف.

نگاهی به فرآیند تاسیس این سه مرکز نشان می‌دهد که همه آن‌ها به نوعی مستقیم با حمایت نهادهای دولتی تاسیس شده‌اند اما هر کدام از آن‌ها تقریباً کارکردهای متفاوتی ایفا می‌کنند و نقشی که برای خود قائل هستند و به عبارت دیگر ماموریتی که برای خود ترسیم می‌کنند با دیگری متفاوت است. به نظر می‌رسد یک مطالعه جامع از کانون تفکرهای موجود در حوزه مدیریت و سیاست‌گذاری علم و فناوری در کشور با هدف ارائه یک تقسیم‌بندی تحلیلی از انواع کانون‌های تفکر، ریشه شکل‌گیری آن‌ها، نقش، کارکرد و ماموریت آن‌ها و نقاط قوت و ضعف آن‌ها از نیازهای امروزه سیاست‌گذاری کشور است. این مطلب با حذف سؤالات تنظیم شده است.

کانون‌های تفکر در حوزه مدیریت و سیاست‌گذاری علم فناوری و صنعت

در گفت‌وگو با سه تن از مدیران این کانون‌ها



دکتر سیدمحمد صاحبکار؛ دانش‌آموخته دانشگاه صنعتی شریف و تربیت مدرس، از مؤسسين کانون تفکر شبکه تحلیلگران تکنولوژی ایران، مدیر سابق و عضو هیات مدیره این شبکه. وی در حال حاضر مدیرکل دفتر سیاست‌گذاری علم و فناوری معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری است.

شبکه تحلیلگران از آنجا شکل گرفت که گروهی از دانشجویان متعهد-اغلب از دانشگاه صنعتی شریف- در طی مدت تحصیل و فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی خود در دانشگاه به این مسئله رسیدند که چگونه می‌توانند خصوصاً بعد از پایان تحصیل، کاری انجام دهند که به بالا بردن سطح کارآمدی نظام کمک کند. دغدغه آن‌ها تأثیرگذاری در جهت کارآمدی نظام بود.

این جوانان با الگوگیری از نسل قبل خود که در انقلاب و جنگ زحمت کشیده بودند، می‌خواستند حرکت جدی برای حفظ این ارزش‌ها کرده باشند. حفظ نظام و حفظ کارآمدی یک نظام، دوروی یک سکه هستند؛ زیرا نظام ناکارآمد اصلاً نظام محسوب نمی‌گردد و خود به خود از بین می‌رود.

هر نظامی مانند بدن انسان دارای بازو و چشم و عقل است. عقل تشخیص می‌دهد، چشم می‌بیند و بازو عمل می‌کند. ما تصمیم گرفتیم به تعقل و فکر کردن در نظام برای حل مسائل مهم کمک کنیم. در این مرحله، دفتر همکاری‌های فناوری ریاست جمهوری به ما کمک کرد. راهنمایی کرد و امکانات لازم را در اختیار ما گذاشت. در گام اول مسایلی را بررسی نمودیم که گریبان‌گیر جامعه بود. یکی از مسائل مهم به نظر ما مسئله توسعه تکنولوژی بود. این سوال در ذهن ما مطرح بود که چرا ما با وجود داشتن سابقه صنعتی و منابع مالی و انسانی زیاد هنوز بسیاری از تکنولوژی‌های مورد نیاز خود را از خارج وارد می‌کنیم؟ برای توسعه این فناوری‌ها در کشور چه سیاست‌ها و اقداماتی می‌توان کرد؟

با شکل‌گیری شبکه تحلیل‌گران تکنولوژی ایران (ایتان) تیم‌های تخصصی در موضوعات مختلفی تشکیل شد. بیوتکنولوژی، الکترونیک و مخابرات، نفت و... هر تیمی دارای مشاوران زبده‌ای بود یا به نحوی با این تحلیلگران ارتباط داشت. اسم شبکه هم همین موضوع را می‌رساند. من عمداً این نکته را مطرح نمودم که بگویم وجود مشاور با تجربه و دانا برای تشخیص درست برای هر کانون و تفکری الزامی است.

روشی این تیم‌ها تحقیق درباره موضوع و شناخت مسئله به وسیله برقراری ارتباط نزدیک با حوزه‌های اجرایی بود. ما غالباً گزارش‌های تحلیلی تهیه می‌کردیم و کوشش می‌کردیم با برگزاری سمینار و هم‌اندیشی یا نفوذ به حوزه‌های تصمیم‌سازی، نتایج کار تحلیلی را به اجرا نزدیک‌تر کنیم. ما کار خود را تأثیرگذاری تعریف می‌کردیم نه صرفاً تحقیق؛ ما دنبال تهیه گزارش تحلیلی و شناخت مسئله و ارائه راهکار بودیم. این تیم‌ها گزارش‌های تحلیلی خود را به وسیله پایگاه اینترنتی «ایتان» منتشر می‌کردند و خود این کار هم جدید بود و نفوذ خوبی در بخش‌های تخصصی پیدا کرد. جالب اینجا بود که بعدها متوجه شدیم که غربی‌ها همین مدل ما را به صورت جدی و علمی پیگیری می‌کرده‌اند و به آن کانون تفکر می‌گویند.

تیم‌های این شبکه بعد از چند سال به مراکز یا گروه‌هایی تبدیل شدند. شبکه‌سازی کردند و ابزارهای تأثیرگذاری را برای خود فراهم کردند. مرکز مطالعات تکنولوژی دانشگاه صنعتی شریف، برای خود زیرمجموعه‌ای از گروه‌ها درست کرد و در زمینه‌های مختلفی فعالیت نمود. یکی از فعالیت‌های قابل توجه، حضور نقادانه در حوزه تدوین سیاست صنعتی کشور در سالهای ۸۱ و ۸۲ بود. در آن زمان ما سعی کردیم زاویه دید دیگری به توسعه صنعت در کشور مطرح کنیم. مرکز دانشگاه صنعتی امیرکبیر کانون تفکر صنعت پتروشیمی را فعال کرد و حتی در تدوین استراتژی صنعت پتروشیمی با وزارت صنایع و معادن همکاری کرد. در حوزه مسکن کانون تفکری که ما شکل دادیم بسیار تأثیرگذار بود و مدل مسکن مهر که در دولت نهم مورد استقبال قرار گرفت از درون این کانون تفکر بیرون آمد. همچنین گروه طیف مخابرات با فعالیت‌های خود بر فضای کشور تأثیرات زیادی گذاشت.

رمز تأثیرگذاری کانون‌های تفکر را باید در نیروی انسانی آن‌ها دید. به اعتقاد من کانون تفکر، با نیروی انگیزه و تشنگی کانون تفکری معنا پیدا می‌کند: تشنگی دانستن و تأثیر گذاشتن. تفاوت کانون تفکر و یک مرکز پژوهشی همین است. کانون تفکر جایی نیست که تنها در آن کار تحقیقی انجام شود؛ بلکه کانون تفکر باید تلاش کند کار خود را به تأثیر

برساند. البته تا جایی که بُرد دارد. اگر سندی تهیه می‌کند آن را باید ترویج کند. به همین دلیل ما ارتباط خوبی با صدا و سیما ایجاد کردیم. در ساخت برنامه‌های زیادی دخالت داشتیم؛ البته بیشتر در بخش تأمین محتوا. همین روزها برنامه ثریا که از تلویزیون پخش می‌شود از نیروهای فکری «ایتان» استفاده می‌کند. امروز «ایتان» یک شبکه از مجموعه گروه‌ها و مراکز و بخش‌هایی است که در قسمت‌های مختلف صنعت و مدیریت کشور گسترش یافته است. دوستان زیادی مدتی با این مجموعه‌ها کار کرده‌اند و امروز در قسمت‌های مختلف کشور فعالیت می‌کنند و به نحوی عضو این شبکه هستند. خود من که امروز در معاونت علمی ریاست جمهوری مشغول هستم از همین تجربه «ایتان» استفاده می‌کنم.



مازیار عطاری؛ مدیرعامل و عضو هیأت‌مدیره بنیاد توسعه فردا از ۱۳۸۷ تا به امروز و مؤسس و از اعضای بنیاد. حوزه فعالیت علمی وی آینده‌پژوهی و آموزش و همگانی‌سازی علوم و فناوری است؛ وی عضو تیم نویسندگان کتاب «روش‌های آینده‌نگاری تکنولوژی» و یکی از مترجمان کتاب «مدیریت اندیشگاه از تولد تا توسعه» است.

در ابتدا باید عرض کنم در دنیا کانون‌های تفکر در یک زنجیره تقسیم وظایف شکل می‌گیرند و کار می‌کنند. آن‌ها بخشی از یک زنجیره هستند که تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری و اجرا را شامل می‌شود. این مراکز به تصمیم‌سازی کمک می‌کنند. در اینجا هم همین طور باید باشد. تا این زنجیره درست شکل نگیرد فعالیت کانون تفکر هم به نتیجه نمی‌رسد. یکی از مهمترین اصول موفقیت کانون‌های تفکر، تشکیل چنین زنجیره‌ای است. به طور مثال، نهادهای دولتی و عمومی در سطح ملی معمولاً مراکز پژوهشی وابسته به خود دارند که این مراکز نقش تعریف مساله و پروژه برای انبوهی از مراکز مستقل مطالعاتی یا همان کانون‌های تفکر را ایفا می‌کنند. همین‌طور نهادهای خیریه (عموماً وابسته به سرمایه‌داران بزرگ) وجود دارند که نقش حمایت‌گر مالی از این مراکز مستقل را بازی می‌کنند.

نکته دیگر اینکه کانون‌های تفکر مبتنی بر جهان‌بینی خاص خود هستند، هرچند که ادعا کنند ما ایدئولوژیک نیستیم. به عبارتی مگر می‌شود تصمیم‌سازی، سیاست‌گذاری و سیاست‌سازی بدون روشن کردن سؤالات اساسی در فلسفه زندگی صورت گیرد؟ مگر می‌توان در مورد سیاست‌های توسعه فناوری و علمی صحبت کرد بدون آنکه مشخص کرد رابطه انسان و طبیعت اطرافش چگونه است و چه حقوق و تکالیف متقابلی میان این دو وجود دارد؟ و مگر می‌توان به این سؤالات بدون جواب دادن به اینکه آیا خداوند مسبب‌الاسباب وجود دارد و یا نه پاسخ داد؟ البته عموماً تفاوت در پایه‌های جهان‌بینی کانون‌های تفکر بیشتر در مشی سیاسی و اجتماعی آن‌ها ظهور پیدا می‌کند و به همین دلیل اگر جایی مثل مؤسسه رند (RAND)، قسم جلاله هم بخورد (اگر اصلاً بلد باشد قسم جلاله بخورد) که ایدئولوژیک نیست، باز هم می‌توان به وضوح مبانی پنهان جهان‌بینی آن را تحلیل کرد. و اما بنیاد توسعه فردا؛ بنای ما ایجاد کسب‌وکاری مبتنی بر تفکر بود. ۱۰ سال پیش با حمایت دفتر همکاری‌های فناوری ریاست جمهوری و اعتمادی که به یک عده از جوانانی که در عرصه‌های تحصیلی قابلیت‌هایی از خود نشان داده بودند، کار خود را شروع کردیم. اما همان‌طور که بیان شد به دلیل اینکه در تأسیس بنیاد، متخصصین رشته‌های متفاوت شرکت کرده بودند، به تبع آن، دغدغه‌های متفاوتی نیز بروز می‌کرد. سؤالات و مدل‌های مختلفی از کانون تفکر هم پیشنهاد می‌شد. کار روی مسائل فرهنگی، اجتماعی یا صنعتی و تکنولوژی محض.

یکی از دغدغه‌های دوستان این بود که بعد از انقلاب ما گفتیم می‌خواهیم کشور خود را بر اساس دین اداره کنیم. پس می‌بایست تعاریفی درست از انواع و اقسام وسایل حکومتی، آنهم از نوع دینی آن ارائه دهیم. کانون تفکر در این حکومت چه ساختاری دارد. مثلاً آیا باید فیلسوفان در کانون مشغول به کار باشند و یا روحانیون و...

در تبیین دغدغه مذکور من اینجا لازم می‌دانم سخنی را از رهبر عزیز انقلاب بیان کنم. ایشان چهار ساحت فعالیت را مطرح می‌کنند: ساحت فکر؛ ساحت معیشت؛ ساحت علم و تکنولوژی؛ ساحت معنویت که البته ایشان می‌گویند ساحت تفکر بسیار پیچیده است. کانون‌های تفکر مؤسساتی هستند که باید در این ساحت پیچیده کار کنند. به نظر من با

توجه به ماهیت ایدئولوژیک این کانون‌ها، در کشور اسلامی باید در کانون افرادی مشغول به کار باشند که فلسفه بدانند؛ به عبارتی دارای تفکر فلسفی باشند، یعنی بتوانند عقل خود را بکار گیرند واز مبانی و ورودی‌ها به نتایج و حل مساله برسند.

ما در ادامه راه کوشش کردیم با دوستانمان درباره ماهیت فرهنگی کار و روش به توافق کلی برسیم و اکنون می‌توانیم بگوییم راه خود را پیدا کرده‌ایم و الان مشغول انجام کار هستیم. برای ما مسأله آموزش مبانی دینی جدی است و امیدواریم روزی بتوانیم به کانونی در تراز کشور اسلامی تبدیل شویم. البته الان هیچ ادعایی نداریم و فکر می‌کنم بعد از ده سال از آغاز فعالیت بنیاد توسعه فردا تازه در آغار راه هستیم.

یکی از مشکلات بزرگی هم که سد راه ما است همین مربوط کردن طرح و ایده‌های خود به دین و حکمت دینی است. به عبارتی دشواری قرار گرفتن در مسیر مورد نظر دین و نه مسیری که دنیای امروز روبروی ما قرار می‌دهد. ملاحظه می‌فرمایید که هجوم تمدن مادی و تأثیر آن روی زندگی، چنین کاری را هر روز سخت‌تر می‌کند.

اما کارهای تولید فکر در کشور ما اندک است و ما در این زمینه مشکل داریم. کسب و کار بر مبنای تولید فکر هم ضعیف است. با وجود فعالیت‌های انجام‌شده توسط ما یا دیگر کانون‌های تفکر، به اعتقاد من، به صورت جدی در کشور کانون تفکر فعال نداریم. نه این که ما نیروها و گروه‌های کارآمد متفکر نداریم. در واقع ما فاقد یک شرکت سازمان‌یافته مبتنی بر کسب و کار خصوصی در این زمینه هستیم. به عبارتی کانون تفکری که بتواند روی پای خود بایستد و کسب و کار کند و نیازهای خود را بر طرف نماید وجود ندارد. اندیشه‌هایی هم که وجود دارند با تکیه بر بودجه‌های دولتی می‌توانند به بقای خود ادامه دهند.

عمده فعالیت‌های بنیاد به عنوان یک کانون تفکر و اندیشه‌گاه در حوزه علم و فناوری عبارت بوده است از کمک به راه‌اندازی شبکه بیومتریک کشور، تأسیس و اداره دبیرخانه شبکه صنعت سرمایه‌گذاری خطرپذیر کشور، راه‌اندازی اندیشه‌گاه‌های نانو در وزارت صنایع و معادن و وزارت بهداشت، ترسیم درخت فناوری ابررسانا و انجام دو دور دلفی در این زمینه، مشارکت فعال در تدوین احکام فناوری برنامه پنجم توسعه کشور و قس علی‌هذا.



جواد ناصریخت؛ دانش‌آموخته کارشناسی ارشد مدیریت دانشگاه صنعتی شریف و از اعضای شورای مرکزی مرکز مطالعات تکنولوژی این دانشگاه است. وی در حال حاضر مدیریت گروه مدیریت و اقتصاد مرکز مطالعات تکنولوژی دانشگاه صنعتی شریف را بر عهده دارد.

پایه تشکیل کانون تفکر مرکز مطالعات تکنولوژی دانشگاه صنعتی شریف با فعال کردن گروهی دانشجویی با نام دفتر مطالعات تکنولوژی دانشگاه شریف شکل گرفت که در اتاقی کوچک و در طبقه

منفی ۲ یکی از ساختمان‌های دانشگاه در سال ۱۳۷۸ شروع به کار نمود. اعتقاد و حمایت‌های ریاست وقت دانشگاه جناب آقای دکتر سهراب‌پور و دفتر همکاری‌های فناوری ریاست جمهوری نقشی حیاتی در شکل‌گیری ابتدایی این کانون در آن مقطع زمانی داشته است. استمرار حمایت‌های ریاست پیشین و فعلی دانشگاه، نقشی قابل توجه در شکوفایی فعالیت‌ها داشته است به گونه‌ای که از نظر قراردادهای، ارتباطات و همکاری‌های مشترک با صنعت و سازمان‌های خصوصی و دولتی این مرکز در جایگاه مناسبی قرار گرفته است.

در آغاز کار مرکز، بیشتر مسائل مورد بررسی، مسائل سیاست‌گذاری صنعتی بود. مانند مسئله بررسی و نقد سیاست صنعتی که در آن سال‌ها توسط وزارت صنایع تهیه شده بود. در سال‌های اول تأسیس کانون تفکر، مسائل سیاست‌گذاری جزو مسائل مهمی بود که مرکز به آن می‌پرداخت. با انجام این کارها به مرور گروه‌های تخصصی در مرکز شکل گرفت و هر یک به صورت مجزایی به مطالعه در حوزه خاصی مشغول شدند.

از زمانی که بحث استقلال مالی کانون‌های تفکر به صورت جدی مطرح و اجرا شد، عمده تمرکز فعالیت‌های مرکز، به سمت صنعت و حتی بنگاه‌ها معطوف گردید.

از جمله کارهای مهمی که در مرکز انجام شد مطالعه خصوصی‌سازی در صنعت نفت بود. این مطالعه به عنوان کار پژوهشی در صنعت نفت رتبه اول را به دست آورد.

در این مرکز، سعی شد تا خدمات نوینی ارائه شود که یک شرکت مشاوره به طور معمول نمی‌تواند این خدمات را ارائه

نماید. مثل سیستم رتبه‌بندی پروژه‌های ساختمانی در کشور که به بررسی کارآیی و کارآمدی نتایج پروژه‌های ساختمانی برای جامعه می‌پردازد.

در هر صورت، جهت ارائه خدماتی نظیر مطالعات سیاستگذاری صنعتی، شاید شکل بهینه آن باشد که یک کانون تفکر با حفظ استقلال خود، از طرف مراکز سیاستگذاری قراردادهای بلندمدتی برای فعالیت‌هایش دریافت کند که بتواند نیازهای تحقیقاتی این مراکز را برآورده نماید.

چالشی دیگری که روبه‌روی کانون‌های تفکر وجود دارد، چالش منابع انسانی است؛ به عبارتی افرادی که دارای این چهار ویژگی باشند، یعنی دارا بودن قوه تحلیلی، دارای نظم فکری، برخورداری از خلاقیت و نوآوری و برخورداری از نظم کاری، بسیار اندک هستند. البته این چالش، چالش ابتدایی تمامی سازمان‌های دانش‌بنیان است. یکی از علت‌های اصلی این مشکل، چالش مدیریت مالی و نقدینگی است. بیشتر کانون‌های تفکر، منابع مالی ثابت و در نتیجه، توان تأمین مالی مطمئن، پایدار و مکفی نیروهای نخبه را ندارند.

